

فهم ابعاد منفی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با فقر روستایی: رویکردی کیفی (مورد مطالعه؛ فقرای روستایی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان ایلام))

امین دوست محمدی^۱، دکتر مصطفی ازکیا^{۲*}، دکتر منصور وثوقی^۳

چکیده

یکی از مسائلی که کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه درگیر آن هستند مساله فقر به طور عام و فقر روستایی به طور خاص می باشد. هدف از این پژوهش فهم ابعاد منفی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با فقر روستایی می باشد. رویکرد مورد استفاده در این تحقیق، رویکرد کیفی با استفاده از روش نظریه داده بنیاد می باشد. از روش توافقی درون موضوعی (پایایی بین دو کد گذار) برای محاسبه پایایی تحلیل و کد گذاری مصاحبه ها استفاده شد. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کد گذار (ارزیاب) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از مصاحبه ها، از روش کد گذاری و مقوله بندی داده ها مبتنی بر نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در این مطالعه کل روستاهای شهرستان ایلام شناسایی و بر اساس شاخص های محرومیت ۵ روستا مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. بعد از ۲۱ مورد مصاحبه عمیق و ۶ مورد بحث گروهی به اشباع تئوریک دست پیدا کردیم؛ مقوله "فقر، نابرابری و توسعه نامتوازن" به عنوان مقوله هسته ای انتخاب گردید. شرایط علی شکل گیری مقوله فوق، روابط و ساختار نابرابر اجتماعی، ناکارآمدی نهادی و رسوم و هنجارهای بازدارنده توسعه می باشد. از راهبردهای مورد استفاده جهت مواجهه با پدیده نابرابری و فقر می توان به راهبرد خاموش و توسل به اقتدارگرایی سنتی اشاره کرد. پیامدهای اتخاذ چنین راهبردهایی نیز از هم پاشیدگی سرمایه اجتماعی، ناخرسندی اجتماعی، توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی و تداوم فقر و نابرابری می باشد.

واژگان کلیدی: فقر، سرمایه اجتماعی، نظریه بنیادی، ایلام

۱. گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران amin.dostmohamadi@iau.ac.ir

۲. گروه علمی جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mazkia@iau.ac.ir

۳. گروه علمی جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران vosmansour@iau.ac.ir

این مقاله بر گرفته از رساله دکترای با عنوان "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی ساختاری با توسعه نیافتگی اقتصادی استان ایلام" می باشد که با راهنمایی دکتر مصطفی ازکیا و مشاوره دکتر منصور وثوقی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران به انجام رسیده است.

مقدمه و طرح مساله

یکی از مسائلی که کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه درگیر آن هستند مساله فقر به طور عام و فقر روستایی به طور خاص (مفاهیمی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری می باشد) (ازکیا و احمد رش، ۱۳۹۹:۲). شمار گرسنگان در جهان در سال ۲۰۱۵ حدود ۸۵۲ میلیون نفر است یعنی از هر ۶ نفر ساکنان کره زمین ۱ نفر گرسنه است؛ و از هر ۴ نفر فقیر ۳ نفر در نواحی روستایی زندگی می کند (موسسه نان برای جهان، ۲۰۱۶). به گزارش ایفاد^۱ در سال ۲۰۰۱ حدود ۱/۲ میلیارد نفر در جهان در شرایط فقر مصرفی حاد قرار داشته اند. بیش از دو سوم این افراد در آسیا بوده اند که جنوب آسیا به تنهایی حدود نیمی از آنها را در بر می گیرد و حدود یک نیز در صحرای آفریقا بوده اند. سه چهارم از این فقرا (یعنی ۹۰۰ میلیون نفر) در نواحی روستایی کار و زندگی می کنند و جالب اینکه پیش بینی شده است که بیش از نیمی از آنها در سال ۲۰۲۵ نیز در همین شرایط قرار داشته باشند (صندوق بین المللی توسعه کشاورزی، 2001).

در ایران همانند دیگر کشورهای در حال توسعه ۱. درصد بسیار بالایی از کسانی که در زیر خط فقر زندگی می کنند، ساکن روستاها هستند؛ ۲. سطوح اجتماعی- اقتصادی نابرابری زیاد می باشد؛ ۳. در حالی که آمار رسمی از فقر درآمد، حدود ۱۸ درصد است، کارشناسان معتقدند که در حال حاضر بیش از ۳۵ درصد جمعیت، زیر خط فقر مطلق و بیش از ۵۰ درصد کل جمعیت زیر خط فقر نسبی قرار دارند (شعبانعلی فمی و شریف زاده، ۱۳۸۳:۱۱۳). بر اساس مطالعات به انجام رسیده (ملکی و حسینی، ۱۳۹۵:۲۳ و امان پور و همکاران، ۱۳۹۴:۸) ایلام جز استان های محروم، توسعه نیافته و فقیر کشور است. ۳۱ درصد جمعیت ایلام در نواحی روستایی زندگی می کنند. (سالنامه آماری ۱۳۹۸). ۴۹/۵ درصد افراد فقیر تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) ایلام را روستاییان تشکیل می دهند (گزارش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان ایلام، ۱۳۹۸)؛ میزان سوء تغذیه در مناطق روستایی سه برابر نقاط شهری می باشد (گزارش سالانه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایلام، ۱۳۹۶:۷۵). در سال ۱۳۹۸ ایلام کمترین سهم پزشک در کشور را به خود اختصاص داده است و با ۲۷ مرکز بهداشتی و درمانی روستایی و فقدان پایگاه بهداشت روستایی در رده مناطق بسیار محروم قرار دارد (سالنامه آماری، ۱۳۹۸) و در اغلب موارد (آموزش عالی و غیر عالی) برای آنها با هزینه همراه است. ایلام بعد از سیستان و بلوچستان بر اساس شاخص هایی از قبیل دانشجویان آموزش عالی، تعداد کتاب در کتابخانه ها، شمارگان روزنامه، درصد جمعیت باسواد، تعداد کتاب فروشی ها و ... در رده ۲۴ قرار دارد (طالب و پیری به نقل از شرافت و همکاران، ۱۳۹۷:۱۷) فقرای روستایی در ایلام عمدتاً بیکار هستند؛ نرخ بیکاری در روستاهای ایلام ۱۳ درصد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹) و بالاتر از میانگین کشوری (۱۱/۵ درصد) و نرخ تورم ۴۰ درصد است (کارخانه و همکاران، ۱۴۰۱:۱۷۱).

فقرا به عنوان قشری قابل توجه در جوامع روستایی، نیازمند دیده شدن و حضور فعال در جامعه هستند؛ لذا جهت زدودن و یا برون رفت از این جنبه از فقر باید به دنبال راه حل های اجتماعی رفت؛ یکی از راهبردها که اخیراً توسعه شناسان و برنامه ریزان توسعه در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و توانسته است نقش موثری در کاهش فقر داشته باشد، سرمایه اجتماعی است. تقویت سرمایه اجتماعی می تواند به عنوان راهکاری در کاهش فقر موثر باشد. سرمایه اجتماعی از جمله مولفه های مهم اجتماعی و از ابعاد اساسی و تاثیرگذار توسعه پایدار محلی می باشد که در کنار دو عامل سرمایه مالی و انسانی، رکن سوم دست یابی به توسعه و کاهش فقر و محرومیت را تشکیل می دهد (حسن آبادی و همکاران، ۱۳۹۶:۷۲). تقویت سرمایه اجتماعی در محیط روستا باعث مشارکت و ارتباط روستاییان با یکدیگر می شود و این امر خود نقشی مهم در بهبود کیفیت زندگی، کاهش فقر و توسعه پایدار روستایی دارد (عبدالکریم و همکاران، ۲۰۱۰). سرمایه اجتماعی را می توان به مثابه ابزاری برای اجرای پروژه های دولتی در روستاها و مشارکت و دخالت دادن بخش های فقیر روستایی در نهادها و نظام حاکم بر زندگی آنها در نظر گرفت (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۷:۵۲۴). استفاده از سرمایه اجتماعی به عنوان راهبردی در راستای توانمندسازی اجتماعات محلی و غلبه بر فقر روستایی بسیار مهم می باشد (الستون^۳، ۲۰۰۱:۸). امروزه اهمیت سرمایه اجتماعی به منظور کاهش فقر و رسیدن به توسعه پایدار موضوع رو به رشد بسیاری از مطالعات در سالیان اخیر است. شرط لازم برای کاهش فقر و نیل به توسعه پایدار روستایی، توسعه همه جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم تر اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) است که این سازه ها مولفه های سرمایه اجتماعی هستند. فقرای روستایی با وجود شبکه های اجتماعی متنوع و روابط

1. IFAD

2. Abdul hakim et al

3. Alston

اجتماعی بیشتر رو در رو در یک موقعیت قوی تر و محکم تری برای ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی قرار می گیرند. از آنجایی که اکثریت روستاییان به طور عام و فقرای روستایی به طور خاص از سرمایه فیزیکی و مالی در سطح پایین و محدودیت هایی در ارتباط با منابع طبیعی برخوردار هستند، از این رو سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه در راستای پذیرش و بکارگیری برنامه های فقرزدایی بسیار موثر می باشد. سرمایه اجتماعی می تواند مکمل مناسبی برای سرمایه های مالی و اقتصادی باشد و کاستی های آن را جبران نماید زیرا بسیار کم هزینه و جبران ناپذیر است و می تواند کاهش فقر و ارتقا رفاه اجتماعی را برای جامعه روستایی به ارمغان بیاورد.

فقرای روستایی برای مدیریت ریسک به سرمایه اجتماعی نیاز دارند چرا که روابط فقرا معمولاً بسته و چهره به چهره است. این قیود غیر رسمی و هنجارهای سنتی سبب ایجاد شبکه ارتباطی کم خطر و بی خطر شده و این امر موجب می شود فقرای روستایی درآمد خود را هم تراز با تغییرات فصلی تنظیم کنند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶). سرمایه اجتماعی نقش مهمی در تنوع بخشی به اقتصاد روستایی، مشارکت در حوادث غیر مترقبه، توزیع عادلانه منابع، کاهش هزینه های تولید، افزایش بهره وری نیروی کار و کاهش نرخ بیکاری در جوامع روستایی (بارت، ۲۰۰۸: ۱۴) داشته؛ این امر در نهایت منجر به کاهش فقر و تثبیت جغرافیایی در مناطق روستایی می شود (فال و کیل پاتریک، ۱۹۹۹: ۲) به نقل از خانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷). اهمیت سرمایه اجتماعی سبب شده است تا از یک طرف به عنوان محصول سرمایه گذاری عمده در روابط با دیگران و کاربرد آن در دسترسی متفاوت به منابع متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش ها یاد کنند و از طرف دیگر، از آن برای غلبه بر مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، محرومیت، طرد اجتماعی و اقتصاد کم بازده روستاییان به کار گرفته شود (برونی، ۲۰۰۹: ۲۴۱). با این اوصاف، این مطالعه به دنبال بررسی میزان همبستگی سرمایه اجتماعی با فقر خانوارهای روستایی و همچنین بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم ابعاد منفی سرمایه اجتماعی در شکل گیری فقر خانوارهای روستایی می باشد. اهداف مذکور در راستای پاسخگویی به این سوال طراحی شده است که ابعاد منفی سرمایه اجتماعی به چه نحو بر شکل گیری فقر در نواحی روستایی نقش بازی می کند.

بحث درباره سرمایه اجتماعی^۴ توسط لیدا هانیفان^۵ (۱۹۱۶) آغاز شد. وی بیان کرد سرمایه اجتماعی نه تنها دارایی ارزشمند برای افزایش سطح زندگی است، بلکه روشی برای افزایش سطح رفاه اجتماعی در کل جامعه است (سوانگ هو و هیونگ جان، ۲۰۱۶). سرمایه اجتماعی شبکه ای از روابط و پیوندهای تعیین کننده اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعامل افراد با گروه ها، سازمان ها و نهادهای اجتماعی با یکدیگر است که شامل برخورداری افراد و گروه ها از حمایت اجتماعی برای تسهیل کنش ها برای تحقق اهداف فردی و جمعی است. سرمایه اجتماعی به عنوان درجه ای از انسجام اجتماعی، تعاملات، اعتماد، ارتباطات متقابل دو طرفه، ادراک و احساس تعهد متقابل میان اعضای یک گروه می دانند (ریماز و همکاران، ۱۳۹۴ به نقل از نعیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲۷). عده ای دیگر سرمایه اجتماعی را یک دارایی نامشهود (آلدر و ون، ۲۰۰۲: ۲۱) و در رابطه با پدیده هایی مانند هنجارها، ارزش ها، تعاملات (ژانگ، ۲۰۰۳)، مشارکت و اعتماد (بولینو و همکاران، ۲۰۰۲: ۵۰۸) می دانند که مردم را به عمل جمعی قادر می سازد (وود کاک و نارایان، ۲۰۰۰: ۱۰) و همچنین شامل نهادها، روابط، گرایش ها و ارتباطاتی است که بر رفتارها و تعاملات بین افراد حاکم است (گروتارت و ون باستلارت، ۲۰۰۲: ۲۵)، مانند چسبی جامعه را کنار هم نگه می دارد (هولاند و سوندسن، ۲۰۰۰). سرمایه اجتماعی دارای شاخص های مهمی همچون مشارکت اجتماعی و مدنی، شبکه اجتماعی، همکاری متقابل و اعتماد (هارپر و کلی، ۲۰۰۳؛ ون نمان و همکاران، ۲۰۰۶؛ لیبراکلی و پاراسکیوپولو، ۲۰۰۲)

1. Barret
2. Fall & kilpatrick
3. Brunie
4. Social Capital
5. Lydia Hani fan
6. Seunghwan & Hyungjun
7. Alder & kwon
8. Zhang
9. Bolino et al
10. Woodcock & Narayan
11. Grootaert & Van Bastelaert
12. Hjollund & Svendsen
13. Harper & Kelly
۱۴. Van Neman et al
15. Lyberaki & Paraskevopoulo

و استون^۱ (۲۰۰۱) رفتارها، نگرش ها و ارزش ها (اسپلبرگ^۲، ۲۰۰۱) و پیوندهای اجتماعی غیر رسمی و تنوع روابط (متنبو^۳، ۲۰۱۱) است. بورديو^۴ سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع بالقوه یا بالفعلی می داند که با عضویت در شبکه پايی از روابط کم و بیش نهادینه شده از آشنایی یا شناخت متقابل بدست می آید (حمیدی زاده، ۱۳۹۷: ۹۴). فوکویاما^۵ سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی تعریف می کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۲). به نظر پاتنام^۶ سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی های زندگی اجتماعی، شبکه ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می سازد به شیوه ای موثر تر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند. (کلدی، ۱۳۹۴: ۱۹۱). از دیدگاه کلمن^۷ سرمایه اجتماعی با کارایی خود تعریف می شود؛ یک هویت صرف نیست بلکه دارای ویژگی های مختلف است (کلمن، ۱۹۹۰ به نقل از سلمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲). اصل وجودی سرمایه اجتماعی راه حلی برای مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، محرومیت، طرد اجتماعی و اقتصاد عقب مانده به شمار می رود (بویکس و پوسنر^۸، ۱۹۹۸: ۹۴). سرمایه اجتماعی به سه طریق می تواند به کاهش فقر و توسعه پایدار کمک کند؛ ۱. تغییر جو و ارائه تصویری از پتانسیل های توسعه در منطقه؛ ۲. تقویت روابط موجود در بین گروه های محلی و محیط فعالیت از طریق فراهم سازی اطلاعات؛ ۳. ایجاد رابطه بین گروه های توسعه و تصمیم گیران. بنابراین این فعالیت ها در مباحث توسعه روستایی بر اهمیت روابط، ایجاد رابطه با دیگران و حفظ آن در طول زمان تاکید می کند که فقرا را قادر می سازد تا در دستیابی به اهداف خود موفقیت بیشتری داشته باشند (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲). کارول^۹ (۲۰۰۱) در کتاب خود تحت عنوان "سرمایه اجتماعی، ظرفیت سازی محلی و کاهش فقر" سرمایه اجتماعی را ظرفیتی مترکم از گروه های اجتماعی به منظور تشریح مساعی و کار با یکدیگر برای نیل به خیر مشترک می داند (بیات و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۱) که در کاهش فقر بسیار تاثیر گذار است (ایکانایک^{۱۰}، ۲۰۰۶). سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم تئوریک، متغیرهایی مانند مشارکت در جامعه محلی (روستایی)، اعتماد، انسجام اجتماعی، شبکه های اجتماعی، روابط متقابل و کانال های ارتباطی را در بر می گیرد (کریستوتاکیس و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۱: ۱۶۵۰). که هر کدام از این متغیرها تقویت کننده دیگری اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۲۷۹). به همین جهت شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه ای جهت کاهش فقر و تقویت شاخص های رفاه اجتماعی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم تر اعتماد متقابل است (باگاوا و تولا و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۰: ۲۴۸).

اثر فقر می تواند با دسترسی به سرمایه اجتماعی تسکین داده شود. هنجارها و روابط اجتماعی در ساختارهای اجتماعی جامعه جا گرفته اند و مردم را در انجام اقدام هماهنگ توانمند می کنند (نارایان^{۱۳}، ۲۰۰۰). یکی از ابعاد مهم فقر، فقر شبکه ای یا سرمایه اجتماعی ضعیف است که افراد را از دریافت حمایت های اجتماعی و کمک های غیر رسمی محروم می سازد. افراد شاغل و بیکار هر یک به لحاظ نوع و ساختار، در شبکه های اجتماعی متفاوتی به سر می برند که به نوبه خود تاثیری متفاوت در فراهم کردن فرصت ها و بهره مندی از آن می گذارد. فهم اینکه این شبکه ها چگونه عمل می کنند و چه کارکردی دارند به شناخت بهتر ویژگی های متمایز فقرا کمک می کند (پیرسون ۲۰۰۲ به نقل از فیروز آبادی و صادقی، ۱۳۸۹: ۹۷). نظریه موقعیتی نیز در رابطه بین فقر و سرمایه اجتماعی، تفاوت رفتارهای فقرا را به دلیل نداشتن منابع و فرصت های انطباق با شیوه های طبقه متوسط توضیح می دهد. برای مثال مردم فقیر فرصت های اندکی برای رفتن به دانشگاه داشته و ترک تحصیل می کنند؛ یا زنان فقیر خانواده مادر محوری را ترجیح می دهند به دلیل آنکه به آنان ادعای اجازه بیشتر در مورد فرزندانشان را می دهد. نظریه موقعیتی با وجودی که به شرایط ساختاری فقر اهمیت می دهد، اما بر پاسخ های فردی به موقعیت عینی فقر تمرکز می یابد؛ تفاوت آن با

1 . Stone

2 . Spellerberg

3 . Mthembu

4 . Bourdieu

5 . Fukuyama

6 . Putnam

7 . Coleman

8 . Boix & Posner

9 . Carroll

10. Ekanayake

11 . Kritsotakis et al

12 . Bhagavatula et

۱۳ . Narayan

نظریه فرهنگ فقر در این است که وجود خرده فرهنگ جهت دهنده به رفتار فقرا را از قبل مسلم فرض نمی کند. بر اساس نظریه فرهنگ فقر فقرا دارای مختصاتی فرض شده اند که پیامد محتوم و اجتناب ناپذیر اکثر آنها محدود شدن شبکه روابط اجتماعی، افزایش بی اعتمادی اجتماعی، ایجاد انزوای اجتماعی و تضعیف پیوندهای اجتماعی و به سخن دیگر، کاهش سرمایه اجتماعی یا ممانعت از شکل گیری آن است. مختصاتی که لوئیس برای فرهنگ فقر بر می شمارد دقیقا نقطه مقابل وضعیت مبتنی بر اعتماد بالا، مشارکت فعال، روابط فردی و اجتماعی گسترده و پویا و احساس مفید بودن است. بر اساس این دیدگاه می توان نتیجه گرفت گسترش نابرابری و فقر در جامعه موجب گسترش این فرهنگ در بین فقرا خواهد شد و این وضعیت کاهش سرمایه اجتماعی را در بر دارد (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۵). مطالعات تجربی و پیشینه نگاشته ها نیز نشان می دهد سرمایه اجتماعی دارای اثراتی همچون مدیریت کارایی منابع مشترک (کریشنا و همکاران، ۱۹۹۷)، افزایش توانایی روستاییان در سازماندهی و مدیریت منابع (ایسحام و کاهکونن، ۱۹۹۹)، موفقیت در ترویج کشاورزی (رید و سالم، ۲۰۰۰)، ایجاد درآمد (رز، ۱۹۹۵)، افزایش برابری درآمدی (کاواچی و همکاران، ۱۹۹۷)، بهبود رفاه (کوته و هلی، ۲۰۰۱)، ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری (آگرت، ۲۰۰۹)، سید امیری و همکاران، ۱۳۹۴)، کاهش محرومیت و آسیب پذیری (ناک و کیفر، ۱۹۹۷؛ گروتیرت و باستلیز، ۲۰۰۲؛ گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷)، تقویت مولفه های ذهنی رفاه اجتماعی (گائو و همکاران، ۲۰۱۸)، بهبود شاخص های بهداشت و سلامت (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۷)، بهبود آموزش (ریچارد، ۲۰۱۳)، رضایت شغلی (ریکوینا، ۲۰۰۳)، تقویت کیفیت زندگی (نیلسون و همکاران، ۲۰۰۶) تقویت شبکه های محلی (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶) می باشد که عوامل فوق از شاخص های توسعه روستایی و کاهش فقر به شمار می روند.

علی رغم تصور تصور خوش بینانه نسبت به تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی، اندیشمندان مختلف معتقدند که برخی از انواع سرمایه اجتماعی در ارتباط با توسعه اقتصادی چندان مثبت عمل نمی کنند. بسیاری از جامعه شناسان و اقتصاددانان توسعه، از تاثیرات منفی سرمایه اجتماعی غافل نبوده و از آن سخن به میان آورده اند (چو، ۲۰۰۶؛ ساباتینی، ۲۰۰۶، پاتنام، ۲۰۰۰؛ لئونارد، ۲۰۰۴). در دیدگاه شبکه ای این باور وجود دارد که سرمایه اجتماعی ذاتا خیر نیست (ولکاک و نارایان، ۲۵: ۱۳۹۴). لذا به جنبه های منفی سرمایه اجتماعی نیز اشاره می شود. برای مثال احتمال دارد تعهدات وفاداری های گروهی آنچنان نیرومند باشند که گرفتن دارایی های فرد، که با جان کندن و تحمل مشقات فراوان آن را به دست آورده است به بهانه حمایت از گروه و شبکه، به سادگی توجیه شود. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که نتایج مثبت سرمایه اجتماعی برای یک گروه، شاید به ضرر گروه دیگری تمام شود؛ اوزی^۵ نشان داد که سرمایه اجتماعی قوی (افراطی) می تواند در سازمان هами تواند باعث کیتته توزی اعضا، مقاومت در برابر اطلاعات جدید و ممانعت از ارزیابی آنها و افزایش آسیب پذیری کل سازمان بشود. لذا نباید تمامی نتایج مثبت اقتصادی را به سرمایه اجتماعی نسبت داد (همان، ۵۳۹). ساباتینی (۲۰۰۸) معتقد است کیفیت توسعه^۶ به طور معنی دار و مثبتی با سرمایه اجتماعی برون گروهی، همبستگی دارد اما میان کیفیت توسعه و پیوندهای قوی خانوادگی یا سرمایه اجتماعی درون گروهی، همبستگی منفی وجود دارد. همچنان که افزایش در سرمایه فیزیکی، میانگین هزینه تولید را کاهش می دهد، افزایش در روابط مبتنی بر اعتماد یا سرمایه اجتماعی نیز به کاهش میانگین هزینه تعامل اجتماعی می انجامد. با این حال بین برخی از انواع سرمایه اجتماعی و شبکه های اجتماعی چنین ارتباطی وجود ندارد. به طوری که عملکرد آنها در مسیری متضاد با کاهش هزینه هاست. سرمایه اجتماعی درون گروهی که به تخریب پیوندهای میان گروه های مختلف منجر می شود، تاثیر منفی بر توسعه انسانی و عملکرد اقتصادی دارد (خانی، ۴۶: ۱۳۹۷). ویژگی درون گروهی سرمایه اجتماعی، به طور ضمنی در بر دارنده نوعی بار منفی است و در یک معنای کلی به گروه های کوچک و جمعیتی همگون ارجاع داده می شود که حاضر نیستند با گروه های بیگانه و خارج از مرزهای خود، همکاری و ارتباط داشته باشند (ساباتینی، ۲۰۰۸). در جوامع خویشاوندی که داری قومیت مشترک یا دیگر پیوندهای اجتماعی مشترک اند، اعتماد تا حدودی یافت می شود، اما تردید وجود دارد که آیا این نوع از اعتماد

1. chou

2. Sabatini

3. Putnam

4. Leonard

5. Uzzi

6. Quality of development

می تواند کارایی و اثر بخشی لازم را برای تعاملات اقتصادی در مناسبات تولید مدرن داشته باشد یا نه (رابینسون^۱، ۲۰۱۹: ۲۵). تعاملات اجتماعی درون گروهی و ارتباط گسترده با اقوام، دوستان و خانواده به علت اینکه اثر منفی بر تعاملات اجتماعی برون گروهی و تعامل افراد با خارج از محیط بسته دارد باعث کاهش رشد اقتصادی و به تبع آن توسعه نیافتگی اقتصادی و فقر را به دنبال دارد (گرایگر^۲، ۲۰۱۸: ۱۲۵). به طور کلی برای بررسی پیامدهای منفی و مثبت سرمایه اجتماعی بایستی سطح و نوع جامعه را در نظر داشت. چنانچه سطح بررسی گروه های مختلف یا اقتصاد و بازارهای سنتی، که شعاع معامله آنها محدود است، باشد، شامل نتایج مثبتی چون کاهش هزینه های معاملاتی، گسترش سرمایه انسانی، رفاه، رشد و توسعه اقتصادی را مشاهده خواهیم کرد. علاوه بر این، این نتایج در مورد جوامعی که جمعیت آن تا حد زیادی همگن است نیز صدق می کند. از سوی دیگر در جوامع چند هویتی به علت وجود گروه های مختلف قومیتی، نژادی، دینی و فرهنگی سرمایه اجتماعی متضاد و گوناگونی شکل می گیرد و شعاع اعتماد، حق مشارکت و روابط متقابل اجتماعی به گروه ها محدود خواهد شد. در این جوامع بد بینی، عدم اعتماد، عدم مدارا، خشونت و فرقه گرایی رواج می یابد که موجب بالا رفتن هزینه های معاملاتی، کاهش رشد اقتصادی، عدم بهره مندی از سرمایه انسانی موجود در جامعه، سرمایه گذاری سیاسی بدون توجه به مزیت نسبی اقتصادی آن، افزایش فقر گروه هایی از جامعه (زنان یا اقلیت های قومی و دینی)، فرار مغزها، سرکوب و ... می شود. به عبارت دیگر در جامعه ای که میزان سرمایه اجتماعی درون گروهی بالا باشد، نه تنها ارتباط میان گروه های مختلف قطع می گردد، بلکه به نوعی فرقه گرایی و طایفه گرایی رواج می یابد که امکان رسیدن به توسعه اقتصادی را با دشواری های فراوانی مواجه می سازد. جامعه به فرقه ها و گروه هایی با هویت های گوناگون و بعضاً متضاد تقسیم می شود که هر کدام بر اساس منافع و تشخیص خود و عدم اعتماد نسبت به دیگر گروه ها عمل می کند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴). در این مطالعه تلاش شده است تا از رویکرد بخشی و تک متغیری اجتناب شده و با نگاهی سیستمی و چند جانبه به مساله مورد مطالعه پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

در رابطه با فقر به طور عام و فقر روستایی مطالعات فراوانی به انجام رسیده است؛ برخی علت فقر را فقدان آموزش و بهداشت مناسب (پادا و حمید^۳، ۲۰۱۸)؛ شرایط نامساعد ژئوپلیتیک و فقدان دسترسی به اعتبارات بانکی (یگانه و همکاران، ۱۳۹۲)؛ تقدیرگرایی و عدم حمایت دولت (حق وردیان، ۱۳۸۵)؛ بیماری، اعتیاد و ورشکستگی (افضلی و قادری، ۱۳۹۱) می دانند. در برخی از این پژوهش ها آمده که توزیع ناعادلانه درآمد و شکاف فقر در مناطق روستایی بخصوص در سال های ۶۸ تا ۷۲ بیشتر از مناطق شهری است (طراز کار و زیبایی، ۱۳۸۳)؛ ابراهیمی، ۱۳۸۵؛ محمودی، ۱۳۸۱)؛ خداد کاشی و باقری، ۱۳۸۴)؛ باقری کاوند، ۱۳۸۷)؛ حیاتی و همکاران، ۱۳۷۸ و میرزاخانی، ۱۳۸۷)؛ هزینه ها و سرمایه گذاری دولت در بخش کشاورزی و عمران روستایی، در ارزش افزوده این بخش و در نهایت فقر روستایی تاثیر بسزایی دارد (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳)؛ ترکمانی و مقدم، ۱۳۸۴)؛ محمدی، ۱۳۸۳)؛ اسکندری، ۱۳۸۳)؛ علی اکبری بابوکانی، ۱۳۷۳)؛ شاطری، ۱۳۸۶). برخی دیگر از این پژوهش ها به بررسی و مطالعه آثار متغیرهای اشتغال و بخصوص شغل سرپرست خانوار، سن، بیکاری، ضریب جینی، سرانه زمین کشاورزی، هزینه ماهیانه، تغییرات قیمت کالاها و خدمات بر فقر پرداختند (حسینی نژاد، ۱۳۸۱)؛ رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶)؛ دانا، ۱۳۸۴). در برخی از پژوهش ها اثر تعرفه های وارداتی، خدمات مالی و یارانه های دولتی بر فقر روستایی مطالعه شده است (رحمتی، ۱۳۸۷)؛ جلالی موسوی، ۱۳۸۶)؛ نجفی و یعقوبی، ۱۳۸۴)؛ پیرانی و شهسوار، ۱۳۸۷). اما برخی دیگر از مطالعات که بیشتر به جنبه های اجتماعی و فرهنگی موثر بر فقر روستایی پرداخته اند عمدتاً با استفاده از روش های کمی انجام شده اند. در حالی که به رغم محققان کاوش در ساختار اجتماعی و باورهای فرهنگی اقوام و اجتماعات مستلزم استفاده از رویکرد های کیفی بوده و با نظریه های از پیش تعیین شده کمتر امکان پذیر است. برخی از این پژوهش های انجام شده متغیرهایی از قبیل سرمایه اجتماعی، رسوم اجتماعی، بهداشت، سواد، اشتغال، مرگ و میر اطفال، وضعیت بدهکاری خانواده و ... را مطالعه کرده اند (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۰)؛ محمدی، ۱۳۸۳)؛ صحرانورد، ۱۳۸۵). ایریس^۴ (۲۰۰۳) تبعیض نژادی، عدم دسترسی به منابع طبیعی کافی، زمین نامناسب کشاورزی و بیماری های

1 . Robbinson

2 . Grieger

۳ . padda& hameed

4 . Iris

مزمّن درون خانواده را از عوامل تاثیر گذار فقر در بین روستاییان در جوامع جهان سوم بر می شمارد. نایملا^۱ (۲۰۰۸) در تحقیق خود با عنوان "بررسی علل فقر در فنلاند" از ۳ علت متفاوت فقر یاد می کند: عوامل فردی، عوامل تقدیرگرایانه و عوامل ساختاری. داده های حاصل از این تحقیق از پیمایش انجام شده در فنلاند که در سال ۲۰۰۵ انجام شده جمع آوری شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در بین مردمان فنلاند توافق زیادی در مورد علل فقر وجود دارد. یعنی فنلاندی ها بر کمبود و ناکافی بودن بازار کار بیش از عوامل فردی و بی عدالتی های اجتماعی تاکید دارند. به عبارت دیگر، تبیین های ساختاری فقر بیشترین تبیین ها را در مورد فقر به خود اختصاص می دهد. با وجود این قسمت قابل توجهی از مردم در پاسخ به علل فقر از بدشاسی، نبود فرصت و عوامل تقدیرگرایانه نیز یاد می کنند. نتایج تجزیه و تحلیل چند متغیره این پژوهش نشان می دهد که درک فقر حداقل تا اندازه ای در ارتباط با ویژگی جامعه شناسی - جمعیت شناسی، ویژگی های اقتصادی و نگرش به دولت رفاه است. با این وجود، اثرات و تفاوت نگرش بین گروه ها در این تحقیق بسیار کم است. مکامی و امزی^۲ (۲۰۱۴) اندازه خانوار و محل سکونت را در شکل گیری فقر موثر دانسته اند. لکوبان و سلکان^۳ (۲۰۱۷) نیز سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار را از تعیین کننده های فقر در ایالت بوتسوانا می داند

تفاوت این مطالعه با آثاری که ذکرشان رفت در این است که در چنین مطالعاتی که معمولاً با رویکردهای اقتصادی و کمی به انجام رسیده است و ممکن است در مرحله اجرا حتی کم ترین میزان مشارکت (مثلاً اطلاع رسانی) هم به خوبی صورت نگیرد. در مطالعات غیر مشارکتی، حتی اگر نیازهای واقعی فقرای روستایی تا حدودی مرتفع شود و اثربخشی وجود داشته باشد، معمولاً کارایی لازم وجود ندارد؛ چرا که راه حل کارشناسان برای کاهش فقر به علت ملموس نبودن برای فقرا، به راحتی اجرا نمی شود. نگاهی به تلاش های گذشته و بررسی الگوهای حاکم برای مقابله با فقر روستایی نشان می دهند که این تلاش ها بیشتر به مداخله های بیرونی پرداخته و کمتر به فقرای روستایی به عنوان تصمیم گیر یا عاملانی با انگیزه و توانا برای بهبود اوضاع خود توجه کرده اند. تا کنون در اغلب کشورهای در حال توسعه، برنامه های غیرمشارکتی و از بالا به پایین و برنامه ریزی های کلان اقتصادی از اعتبار برنامه ریزی ناحیه ای کاسته و حاصل آن در حاشیه قرار گرفتن روستاییان به ویژه فقرا از سهم شدن در منافع توسعه بوده است. تجربه های جهانی نشان می دهند هر جا فقرا به عنوان عامل و نه موضوع در فرایند توسعه شرکت می کنند امکان ایجاد رشد، توسعه انسانی و برابری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف توسعه ای - کاربردی و از لحاظ ماهیت جزء پژوهش های کیفی است. مشارکت کنندگان در تحقیق، فقرای روستایی بودند که تحقق پوشش خدمات کمیته امداد امام خمینی (ره) استان ایلام می باشند. مشارکت کنندگان با روش نمونه گیری هدفمند(نیتمند) و گلوله برفی شناسایی شدند. با توجه به کفایت داده ها از ۲۱ نفر مصاحبه عمیق به عمل آمد و ۶ بحث گروهی متمرکز برگزار شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها، نظریه داده بنیاد مبتنی بر رویکرد نظام مند و داده ها از طریق مصاحبه عمیق گردآوری شدند. در پژوهش حاضر، از روش توافقی درون موضوعی (پایایی بین دو کد گذار) برای محاسبه پایایی تحلیل و کد گذاری مصاحبه ها استفاده شد. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کد گذار (ارزیاب) استفاده شد (محقق و استاد راهنما). سپس محققین تعداد سه مصاحبه را کد گذاری کرده و درصد توافق بین کد گذاران که به عنوان سومین شاخص اعتبار سنجی تحلیل به کار می رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{۲ \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

نتایج حاصل از این کدگذاری ها در جدول شماره ۱ آمده است:

1 . Niemela

2 . Makame & Mzee

3 . Lekobane & Seleka

جدول ۱: محاسبه پایایی بین دو کد گذار

ردیف	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بین دو کد گذار (درصد)
1	۷۸	۶۲	۱۶	۷۹
2	۶۸	۵۸	۱۰	۸۵
3	۴۹	۴۰	۹	۸۱
کل	۱۹۵	۱۶۰	۳۵	۸۲

همان طور که مشاهده می شود تعداد کل کدهایی که توسط محققین به ثبت رسیده است برابر ۱۹۵ مورد، تعداد کل توافقات بین کدها ۱۶۰ مورد و تعداد کل عدم توافقات برابر ۳۵ مورد است. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده برابر ۸۲ درصد است و چون میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (Kvale, 1996) پس قابلیت اعتماد کدگذاری ها مورد تایید و می توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه مناسب است. برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از مصاحبه ها، از روش کد گذاری و مقوله بندی داده ها مبتنی بر نظریه داده بنیاد استفاده شده است. داده های جدید هم زمان با تمام داده های دیگر مقایسه شدند تا محوریت مطلوب در بین تمام داده ها آشکار گردد. کد گذاری مصاحبه ها به موازات مصاحبه ها صورت گرفت. پس از انجام هر مصاحبه داده های آن مصاحبه مورد کدگذاری قرار گرفت تا از طریق کدگذاری داده ها در دسته بندی و تفسیر آنها صورت پذیرد. با کدگذاری چند مصاحبه نخست، چارچوب اولیه ایجاد و با انجام مصاحبه های بعدی، با استفاده از کدهای جدید به دست آمده، چارچوب ذهنی توسعه گردید. این فرایند تا زمانی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شد و مصاحبه ها به پایان رسید. طبقه بندی داده ها با اطلاق کدهای جداگانه و مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام گرفت تا کدهای اصلی تولید شوند. مراحل کدگذاری انجام گرفته در پژوهش حاضر عبارت اند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. بعد از مشخص شدن مفاهیم و مقوله ها، مقوله های موجود به مقوله های اصلی و مقوله های خرد تقسیم شدند. مقوله های خرد، اطلاعات بیشتری درباره چرایی و چگونگی یک پدیده را ارائه می کنند و از این طریق به وضوح بیشتر مقوله کمک می کنند. در ادامه، به منظور تایید مقوله های اکتشافی در این پژوهش و همچنین تایید روابط کشف شده، مجدداً با مشارکت کنندگان مصاحبه شد. پس از چندین بار مطالعه و رفت و برگشت میان داده ها، مفاهیم، مقوله ها و کدها و در نهایت با بررسی مقوله ها و ارتباط منطقی بین آنها مدل نهایی پژوهش ارائه گردید. در این مدل شرایط علی و پدیده اصلی (مقوله محوری) به عنوان ورودی های مدل، شرایط واسطه ای (مداخله گر) و شرایط زمینه ای به عنوان برنامه ها، راهبردها به عنوان اقدام راهبردی و پیامدها به عنوان خروجی های مدل مطرح گردیدند.

یافته های پژوهش

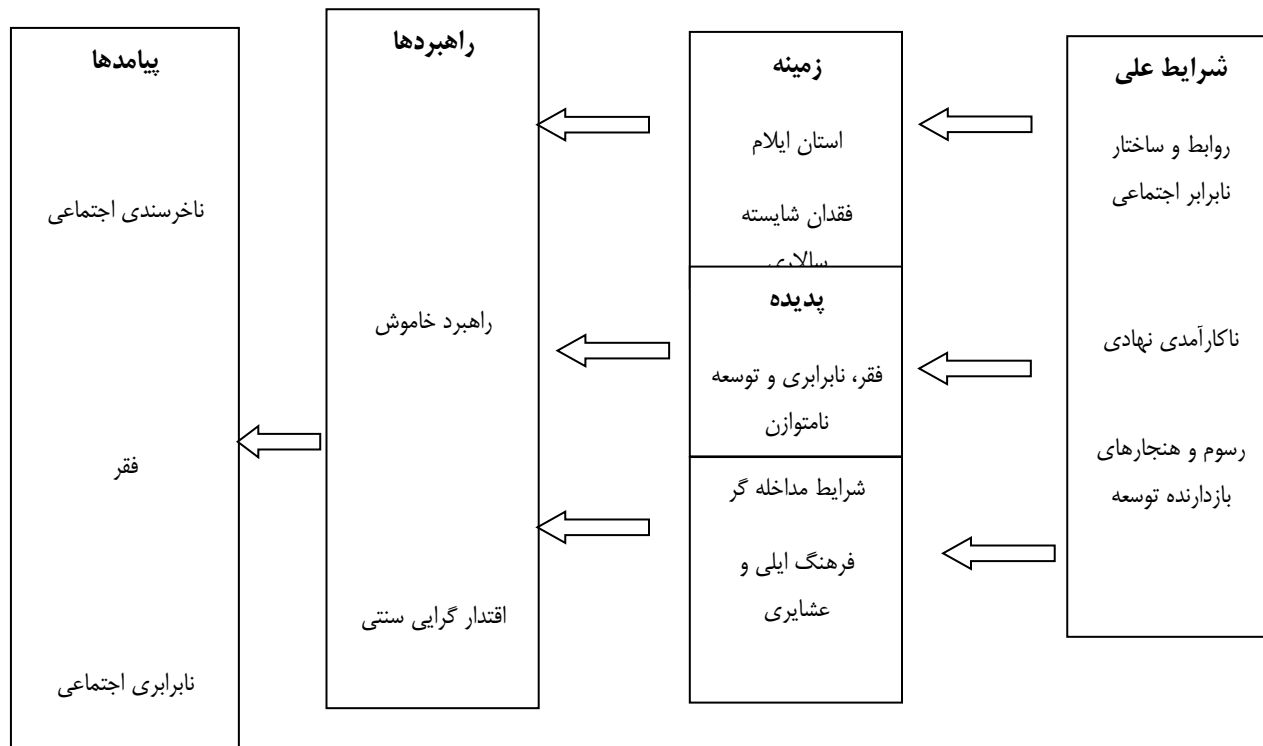
۱- مشخصات زمینه ای مشارکت کنندگان

بررسی ویژگی پاسخگویان از لحاظ دارا بودن بیشترین فراوانی نشان می دهد ۸۱ درصد پاسخگویان را مرد و ۱۹ درصد را زن تشکیل می دهد. ۶۰ درصد در رده سنی ۳۱-۴۰ سال، ۴۶ درصد دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم و ۹۷ درصد دارای سابقه سکونت بیش از ۲۰ سال در منطقه مورد مطالعه هستند. ۶۵ درصد پاسخگویان بیکار هستند و میانگین بعد خانوار ۸۴ درصد بالای ۵ نفر می باشد. ۵۱ درصد از مشارکت کنندگان در تحقیق نسل دوم خانواده هایی هستند که تحت پوشش خدمات مستمر نهادهای حمایتی قرار دارند.

۲- عوامل (شرایط علی)

شرایط علی حوادث، وقایع و اتفاقاتی هستند که به وقوع و گسترش پدیده مورد مطالعه می انجامند (Strauss & Corbin, 1990:96). در این مطالعه روابط و ساختار نابرابر اجتماعی، ناکارآمدی نهادی و رسوم و هنجارهای بازدارنده توسعه به عنوان شرایط علی تاثیرگذار در این مطالعه شناسایی شدند.

نمودار ۱: فضایی پدیده فقر، نابرابری و توسعه متوازن



مفهومی که در سراسر فرآیند تحقیق به صورت مداوم تکرار می شد، مفهوم فقر، نابرابری و توسعه نامتوازن بود. این مفهوم تحت تاثیر سه عامل روابط و ساختار نابرابر اجتماعی، ناکارآمدی نهادی و رسوم و هنجارهای بازدارنده توسعه شکل گرفته است. این سه مفهوم علاوه بر اینکه به صورت مجزا بر پدیده مورد نظر تاثیر می گذارند بلکه بر یکدیگر تاثیر گذاشته و از هم نیز تاثیر می پذیرند. بر اساس این مدل پارادایمی و در مقایسه داده های حاصل از مصاحبه ها راجع به ناکارآمدی نهادی در جامعه مورد مطالعه باید گفت که مدیران دستگاه های دولتی در استان بیشتر فرصت هایی را تشویق می کنند که مشوق توزیع نابرابر منابع اند تا تولید بیشتر منابع و یا به عبارتی گسترش دهند فعالیت های توزیعی و یا باز توزیعی هستند تا فعالیت های تولیدی. این نهادها در استان بیشتر توسعه دهنده انحصارند تا رقابت و محدود کننده فرصت ها هستند تا خالق آنها. این سازمان ها و ادارات مورد بررسی، کارآمد هستند، اما در جهت افزایش سود مدیران و اطرافیان آنها و نا کارا نمودن سایر ساختارهای اقتصادی و غیر اقتصادی استان. بنابراین ناکارآمدی نهادی در استان موجب بروز رسانی های ناکارا و عملکرد اقتصادی ضعیف در استان شده است. علاوه بر این باید گفت که حرکت ناموزون و دراز مدت از سنت ها و رسوم غیر مدرن به سوی قوانین مکتوب با تخصصی شدن روز افزون و تقسیم کار فزاینده ای که متناسب استان های توسعه یافته است در استان ایلام به وقوع نپیوسته است.

بحث و نتیجه گیری

جامعه سنتی ایلام به اقوام مختلف و چندگانه ای تقسیم شده است که هر یک خود را برتر از دیگران می داند و مردم آن پیگیر منافع طایفه خود هستند (سرمایه اجتماعی درون گروهی با شعاع اعتماد بسیار محدود). در چنین جامعه ای که هر فرد بر اساس تعلق خود به یک طایفه در تقابل با دیگران قرار می گیرد و خویشتر را شایسته تر می داند برای خود و طایفه اش مطالبات و خواسته های بسیاری متصور است. از این رو سهم خواهی بیشتری از منافع توسعه دارند که منجر به توسعه نامتوازن، فاصله طبقاتی، نابرابری و فقر می شود. این نوع چند پارگی که محصول سرمایه اجتماعی درون گروهی بالا، روابط و مناسبات نابرابر اجتماعی، افکار و ارزش های سنتی در جامعه ایلی و عشایری استان می باشد مانع مشارکت همه افراد در فرآیند توسعه پایدار شده است. این نوع طایفه گرایی و قبیله سالاری از یک طرف اختلافات گروهی و تضاد منافع را در سطح بالا و از طرف دیگر مشارکت، اجماع محوری و اعتماد را در سطح پایین قرار داده و ظرفیت های توسعه در حالت بالقوه مانده است. گسترش هویت های طایفه ای و دامن زدن به آن توانسته است روند توسعه یافتگی را کند و نامتوازن نماید؛ زیرا توجه و تعصب افراطی به قومیت، طایفه و تیره به عنوان یکی از جنبه های تاریک سرمایه اجتماعی مانع شایسته سالاری، فرو پاشی سرمایه اجتماعی برون گروهی و فقدان مشارکت در امر توسعه شده است.

ساختار معیوب و نابرابر اجتماعی نیز از دیگر شرایط علی به شمار می رود که پدیده توسعه نیافتگی در جامعه مورد مطالعه را پیش برده است. عواملی مانند تبعیض جنسیتی، طرد اجتماعی، فرصت های نابرابر اقتصادی و اجتماعی باعث حذف گروه کثیری از شهروندان در فرآیند توسعه شده است. باعث شده است صدای این گروه شنیده نشود و این افراد و گروه ها در حاشیه باقی بمانند. این افراد عمیقاً بر این باورند که محرومیتشان مانعی بر سر راه شرکت آنان در مراسم و رسومات اجتماعی است. چون کسی که احساس محرومیت می کند قادر نخواهد بود که در مراسم متعارف اجتماعی مشارکت داشته باشند. این افراد به دلیل کنار گذاشته شدن، هیچ وقت قادر نبودند از مشارکت در زندگی اجتماعی خود لذت ببرند.

رسوم ها، باور ها و هنجارها در جامعه مورد مطالعه نوعی از ارزش های سنتی را تولید می کند که این ارزش ها باعث باز تولید مفاهیمی از جمله طرد اجتماعی غیر خودی ها، تبعیض جنسیتی، خود برتر بینی و قوم گرایی افراطی می شوند که به نوبه خود تشکیل دهنده ساختار معیوب اجتماعی هستند. این رسوم، ارزش ها و باورها به همراه مکانیسمی که ساختار و روابط نابرابر اجتماعی ایجاد می کند نوعی از نظام ناکارآمد اداری را تشکیل می دهد که فاقد شایسته سالاری، تخصص گرایی، آینده نگری، پاسخگویی و ... است و پیامدهایی چون رانت، فساد و باندبازی و پارتی بازی را برای استان به ارمغان آورده است.

فرهنگ ایلی و عشایری قوی که بر استان حاکم است، اقتدارگرایی سنتی را به عنوان راهبردی مناسب برای برخی از سیاسیون و متنفذان جهت کسب قدرت سیاسی و اقتصادی به شمار می رود. در سایه اقتدارگرایی سنتی و نفوذ ریش سفیدان و بزرگان طوایف، به راحتی می توان ضمن تامین و برآوردن منافع طایفه، به اهداف مورد نظر دست یافت بدون آنکه حائز کم ترین فاکتور شایستگی، تخصص و ... بود. این عوامل تا حدود زیادی بخشی از پدیده توسعه نیافتگی در استان را به پیش برده اند. وجود آداب و رسوم سنتی، روابط نابرابر اجتماعی و نظام اداری مبتنی بر قوم و تبار در سایه فقدان شایسته سالاری، باعث شده است برخی از مشارکت کنندگان در تحقیق راهبرد خاموش را اتخاذ نمایند. این راهبرد بر مفاهیمی چون انزوا، تقدیر گرایی، پذیرش منفعلانه شرایط و ... دلالت دارد. بر این اساس علت فقر افراد کم برخوردار در این مطالعه، جدایی گزینی و ناتوانی آنها در برقراری پیوند با افراد قدرتمند و صاحب نفوذ سایر طوایف و یا طایفه خودی است که موجب منزوی شدن آنها در یک گروه سخت درهم بافته، بی اطلاعی آنان از وقایع رخ داده در گروه های دیگر و ادغام نشدنشان در جامعه گسترده تر می شود و امکان هرگونه تحرک و اکتساب دانش در خصوص موضوعات مختلف را که به بهبود وضعیت زندگی آنان منجر شود، از ایشان سلب کرده است.

نگاه خاص گرایانه در مقابل رویکرد عام گرایانه راه را برای هر گونه رشوه، پارتی بازی و فساد باز گذاشته است. فقدان دسترسی به فرصت های برابر، طرد و تبعیض، باند بازی و قبیله گرایی، نگاه خاص گرایانه به افراد، باعث ناخرسندی خیل عظیمی از شهروندان ایلامی شده است. این موضوع در کنار مفاهیمی چون فقر و نابرابری که معلول شرایط فوق می باشند بر درک از "عمق توسعه نیافتگی" استان ایلام می افزاید. یافته ها نشان داد بر اساس بیانات مطلعان و انسان های فقیر شرکت کننده در مطالعه، مشکلات فوق مجموعه ای از مصائب و دشواری ها را برای آنان در زمینه های گوناگونی مثل تغذیه، مسکن، آموزش، مهارت اندوزی، بهداشت و روابط اجتماعی به وجود آورده است که به خودی خود به وقوع آسیب ها، بحران ها و خشونت و نابرابری های جنسیتی در محیط خانواده ها و تزییع حقوق آنها در جامعه دامن زده و آنان را از دستیابی به خدماتی از قبیل تسهیلات بانکی و شغل مطلوب باز داشته است. شرایطی که سازه نظری ((چرخه فقر)) را یادآوری می کند. همه این موارد در نهایت دست در دست هم داده و به تداوم توسعه نیافتگی استان ایلام انجامیده است.

منابع و ماخذ

۱. ازکیا، مصطفی و احمد رش، رشید(۱۳۹۹) نظریه های توسعه. چاپ اول. تهران: انتشارات احسان.
۲. ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۹۴) توسعه پایدار روستایی. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
۳. ازکیا، مصطفی؛ احمدرش، رشید و پارتازیان، کامبیز (۱۳۹۶) روش تحقیق کیفی (۱). چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان.
۴. ازکیا، مصطفی؛ احمدرش، رشید و پارتازیان، کامبیز (۱۳۹۶) روش تحقیق کیفی (۲). چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان.
۳. ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰) روش های کاربردی تحقیق. چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان.
۴. اسد پور، عهدیه؛ انتظاری، علی و احمدی اهنک، کاظم (۱۳۹۷) مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی و عوامل موثر بر آن. فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، ۷۱ (۳)، ۶۷-۸۶.
۵. افروغ، عماد (۱۳۷۸) خرده فرهنگ ها، مشارکت و وفاق اجتماعی. مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عموم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. احمدی، منیژه؛ محمدی یگانه، بهروز و سنایی مقدم، سروش (۱۳۹۶) اثرات سرمایه اجتماعی در کاهش فقر خانوارهای روستایی. مجله پژوهش های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰ (۱)، ۹۳-۱۰۷.
۷. اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی. چاپ اول. تهران: نشر مولف.
۸. امان پور، سعید؛ پرویزیان، علیرضا و علیزاده، مهدی (۱۳۹۴) سنجش وضعیت شاخص های توسعه یافتگی در شهرستان های استان ایلام. مجله فرهنگ ایلام، دوره ۱۶ (۴۹)، ۵۱-۷۰.
۹. بیات، بهرام؛ کامکار، مهدی و عنایتی، لطفعلی (۱۳۹۶) راهبردهای نقش سرمایه اجتماعی در تحکیم امنیت اجتماعی. فصلنامه امنیت ملی، ۷ (۲۵)، ۱۴۹-۱۷۶.
۱۰. توکلی، مرتضی؛ دهقانی، کیومرث و زارعی، رضا (۱۳۹۰) تحلیلی بر میزان سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان ممسنی. فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، ۱ (۴)، ۴۱-۵۱.
۱۱. حسن آبادی، داوود؛ حاج علیزاده، احمد و حیدروند، مسعود (۱۳۹۶) ارزیابی شبکه اجتماعی ذی نفعان در راستای توسعه پایدار محلی. مجله مرتع و آبخیزداری، ۷۰ (۱)، ۷۱-۸۶.
۱۲. رومیانی، احمد؛ عنابستانی، علی اکبر و ولایتی، محمد (۱۳۹۴) تحلیلی بر اثرات سرمایه اجتماعی بر روی توسعه پایدار روستایی. فصلنامه فضای جغرافیایی، سال ۱۵ (۵۲)، ۹۷-۱۱۵.
۱۳. ریماز، شهناز؛ مردادی، یوسف و ابوالقاسمی، جمیله (۱۳۹۴) بررسی مولفه های سرمایه اجتماعی در زنان سرپرست خانوار با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی. مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۲ (۱۳۵)، ۱۴۰-۱۴۸.
۱۴. زاهدی، محمد جواد؛ ملکی، امیر و حیدری، امیر ارسلان (۱۳۸۶) فقر و سرمایه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۷۰ (۲۸)، ۷۹-۱۰۶.
۱۵. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی (۱۳۹۶) گزارش عملکرد و درصد تحقق اهداف پیش بینی شده دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایلام. دفتر ارزیابی عملکرد.
۱۶. دفتر امور روستایی استانداری ایلام (۱۳۹۵) طرح جامع توسعه روستایی استان. استانداری ایلام، منتشر نشده.
۱۷. حمیدی زاده، علی (۱۳۹۷) واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران. فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، ۵ (۱)، صص: ۹۱-۱۰۹.
۱۸. خانی، فضیله؛ قدیری معصوم، مجتبی و ملکان، احمد (۱۳۹۲) تاثیر مولفه سرمایه اجتماعی بر ارتقای توسعه روستایی (مورد مطالعه: دهستان گودین، شهرستان کنگاور). فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، ۱۱ (۳۸)، ۱۳۳-۱۵۲.
۱۹. سازمان بهزیستی (۱۳۹۶) گزارش آماری عملکرد اداره کل بهزیستی استان ایلام. معاونت اجتماعی.
۲۰. سالنامه آماری (۱۳۹۵) سالنامه آماری دفتر معاونت برنامه ریزی سازمان برنامه و بودجه استان ایلام.
۲۱. سلمانی، محمد؛ تقی پور، فریده؛ رمضان زاده لسبویی، مهدی و جلیلی پروانه، زهرا (۱۳۸۹) بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی. فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال ۴ (۱۱)، ۱۹-۴۰.
۲۲. سید امیری، نادر؛ کاملی، علیرضا؛ مرادی، سمیه و واشقانی فراهانی، هادی (۱۳۹۴) بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی زنان در شهر ایلام با توجه به نقش میانجی نوآوری. فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، ۲ (۳)، ۴۱۵-۴۳۴.
۲۳. شعبانعلی فمی، حسین؛ علی بیگی، امیرحسین؛ شریف زاده، ابوالقاسم (۱۳۸۳) رهیافتها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی. چاپ اول. تهران: انتشارات توسعه روستایی.
۲۴. طالب، مهدی و پیری، صدیقه (۱۳۹۳) تبیین ساختار اجتماعی فقر از منظر فقرای روستایی و گونه شناسی آن (مورد مطالعه، روستای گنبد پیرمحمد از توابع شهرستان ملکشاهی - استان ایلام). مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۵ (۲)، ۲۱۹-۲۴۲.
۲۵. کلانتری، عبدالحسین و فرهادی، محمد (۱۳۸۵) رادیو جماعتی و انسجام اجتماعی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۱۳۳-۱۱۱، (۶)۲.

۲۶. کمیته امداد امام خمینی (ره) (۱۳۹۶) گزارش آماری عملکرد اداره کل کمیته امداد امام خمینی (ره) استان ایلام. دبیرخانه فقر و محرومیت استان ایلام.
۲۷. علی بیگی، جواد و قاسمی، یارمحمد (۱۳۹۴) تاثیر گردشگری مذهبی بر کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی خانوارهای روستایی. دو فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری، ۳(۶)، ۸۷-۱۱۶.
۲۷. عنابستانی، زهرا؛ عنابستانی، علی اکبر و رجبی، آریتا (۱۳۹۳) تحلیل نقش گردشگری مذهبی در توسعه سکونتگاه های روستایی؛ اولین همایش بین المللی راهبردی توسعه گردشگری جمهوری اسلامی ایران؛ چالش ها و چشم اندازها. مشهد، پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی.
۲۸. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰) سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۲۹. فراهانی، حسین؛ عینالی، جمشید و عبدلی، سمیه (۱۳۹۲) ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی. مطالعه موردی؛ دهستان مشهد میقان شهرستان اراک. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۲۹)، ۲۷-۵۰.
۳۰. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۳۱. فیروزآبادی، سید احمد و علیرضا صادقی (۱۳۸۹) مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت. مجله زن در توسعه و سیاست، ۸(۲)، ۹۳-۱۱۴.
۳۲. کارخانه، فروزان؛ یوسفوند، حسن رضا و حسین، دهقان (۱۴۰۱) تبیین جامعه شناختی پیامدهای نابرابری اجتماعی، اقتصادی در استان های غرب کشور. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۱۱(۱)، ۱۴۹-۱۷۴.
۳۳. کلدی، علیرضا (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی و خانواده. مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۳۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) راه سوم؛ بازسازی سوسیال دموکراسی. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ اول. تهران: نشر شیرازه.
۳۵. نعیمی، امیر؛ رضایی، روح الله و موسی پور، سیده کوثر (۱۳۹۷) تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی روستاییان استان خوزستان. فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، ۵(۴)، ۵۲۳-۵۵۲.
۳۶. محمدی یگانه، بهروز؛ چراغی، مهدی و ولایی، محمد (۱۳۹۱) نقش اماکن تاریخی، فرهنگی و مذهبی در گردشگری و تاثیر آن در توسعه روستایی. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۳۰)، ۷-۲۵.
۳۷. موسوی خامنه، مرضیه (۱۳۸۳) سرمایه اجتماعی و سلوک اجتماعی. رساله دکتری به راهنمایی غلامعباس توسلی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۳۸) Abdul hakim, R. Bdul Razak, N & Ismail, R (2010) Does social capital reduce poverty? A case study of rural households in Terengganu, Malaysia. *European Journal of Social Sciences*, 14(4), pp.556-566
- ۳۹) Adler, P. S & Kwon, S. W (2002). *Social Capital: Prospects for a New Concept*. The Academy of Management Review, 27(1), pp. 17-40.
- ۴۰) Alston, M (2001) *Social Capital in Rural Australia*, Director, Center for Rural Social Research, Charles Strut University.
- ۴۱) Barrett, C (2008) *dynamic poverty traps and rural livelihoods in rural livelihoods and poverty reduction poverty policies*, London, Rutledge
- ۴۲) Bhagavatula, S & Elfring, T & Tilburg, A & Gerhard, G. & Bunt, V (2010), *How Social and Human Capital Influence Opportunity Recognition and Resource Mobilization in India's Hand loom Industry*, Journal of Business Venturing, Vol. 25, No. 3, PP. 245-260
- ۴۳) Boix, C and Posner, D, N (1998): *Social capital: explaining its origins and effects on government performance*. *British Journal of Political Science*, 28(4). Pp. 686-693
- ۴۴) Bolino, M. C & Turneley, W. H & Bloo, J. M (2002) *Citizenship behavior and creation of social capital in organization*. *Academic Management Review*, 27, PP. 505-522.
- ۴۵) Brunei, A (2009) *Meaningful distinctions within a concept: Relational, collective, and generalized social capital*, *Social Science Research*, 38 (2). Pp. 251 -265
- ۴۶) Cote, S & Healy, T (2001) *The well-being of nations: the role of human and social capital*, Organization for Economic Co-operation and Development, Paris.
- ۴۷) Egbert, H (2009) *Business success through social networks? A comment on social networks and business success*. *American Journal of Economics and Sociology*, 68, pp. 665-677.
- ۴۸) Ekanayake, P (2006) *Revitalizing Productivity and Income Effects of Social Capital: Mainstreaming Social Capital for Rural Poverty Reduction in SriLanka*. Tokyo, Japan: The Asian Productivity Organization.

- ٤٩) Falk, I; Kilpatrick, S (1999) what is social capital? A study of interaction in a rural community: university of Tasmania, Launceston
- ٥٠) Gao, B; Yang, S; Liu, X; Ren, X., Liu, D ; & Li, N (2018). Association between social capital and quality of life among urban residents in less developed cities of western China, *Medicine*, 97, 1-6.
- ٥١) Grootaert, C; Narayan, V & Woolcock, M (2005) Measuring Social capital an integrated questionnaire. World Bank Working Paper, 18, pp. 1-53
- ٥٢) Harper, R ; Kelly, M (2001) *Measuring Social Capital in the United Kingdom*", London, Office for National Statistics
- ٥٣) Hjollund, L & Svendsen, G.T (2002) Social capital: A standard Method of Measurement, pp. 1-27
- ٥٤) Is ham, J. and Kahkonen, S (1999) What determines the effectiveness of community based water projects evidence from Central Java, Indonesia on demand responsiveness, service rules and social capital, Social Capital Initiative Working Paper No. 4, The IRIS Center.
- ٥٥) Kakwachi, I; Kennedy, B; Lochner, K & Stith, D.P (1997) Social capital, income inequality and mortality, *American Journal of Public Health*, 3(4), pp. 159-163
- ٥٦) A ; Up Hoff, N. and Esman, M. (1997) *Reasons for hope instructive experience in rural development West Hartford, Conn.* Kumarian Press.
- ٥٧) Kritsotakis, G. Vassalage, M. Chatzi, L. Georgiou, V. Anastasias, E. Kogevinas, M. Koutis. A (2011). Maternal Social capital and birth outcomes in the mother-child cohort in Crete. Greece (Rhea Study), *Social Science & Medicine*, 73, pp.: 1653-1660
- ٥٨) Lyberaki, A ; Paraskevopoulos, C.J (2002) Social capital measurement in Greece, In International Conference on Social Capital Measurement.
- ٥٩) Mthembu, B.M.J (2011) Rural tourism as a mechanism for poverty alleviation in KwaZulu-Natal: the case of Bergville, Ph.D. thesis. Department of recreation and tourism, University of Zululand
- ٦٠) Narayan, D (1999) *Bonds and Bridges: social capital and poverty*, world Bank
- ٦١) Nilsson, J; Masud Rana, A. K. M., & Kabir, Z. N (2006). Social capital and quality of life in the old age. *Journal of Aging and Health*, 18(3), 419-434.
- ٦٢) Ride, C. & Salmen, L (2002) Understanding social capital agricultural extension in Mali: trust and social cohesion, Social Capital Initiative Working Paper No. 22, the IRIS Center.
- ٦٣) Requena, F (2003). Social Capital, Satisfaction and Quality of Life in the Workplace. *Social Indicators Research*, 61, 331-360.
- ٦٤) Richard, J (2013) *Recreation, tourism and rural well-being*. Washington, DC: US Department of Agriculture, Economic Research Service.
- ٦٥) Ring, J; Pere do, A.M. & Chrisman, J (2010) Business Networks and Economic Development in Rural Communities in the United States, *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol.34, PP.171-195
- ٦٦) Rose, R (1995) Russia as an hour-glass society: a constitution without citizens, *East European Constitutional Review*, 4: pp. 34-42.
- ٦٧) Spellerberg, A (2001) *Framework for the measurement of social capital in New Zealand*, Statistics New Zealand, Wellington
- ٦٨) Stone, W (2001) *Measuring social capital, Towards a theoretically informed measurement framework for researching social capital in family and community life*, Melbourne: Australian Institute of Family Studies
- ٦٩) Zhang, F (2003). An Empirical Study on Relationship between firms' Social Capital And its Learning Efficiency in China. Conference: Engineering Management Conference, 2003
- ٧٠) Zhang, Y ; Shun, P. Barnstorm, B & Barnstorm, K (2017) Association between social capital and health-related quality of life among left behind and not left behind older people in rural China. *BMC Geriatrics*, 17, 1-11.
- ٧١) Vanneman, R; Desai, S ; Noon, J (2006) Social Capital in India: Networks, Organizations, and Confidence, the Annual Meeting of the American Sociological Association. Montreal
- ٧٢) Woodcock, M. & Narayan, D (2000) Social capital: implications for development theory, research and policy. *World Bank Research*, 15(2), pp.1-29

در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

